

## فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2020S4D14SH66M ISSN-P: 2538-3701

### تفکر عدالت ترمیمی و تاثیر آن در پیشگیری از وقوع جرم

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۵/۱۲)

سید محمد حسینی

مشاور حقوقی و کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

#### چکیده

عدالت ترمیمی مفهومی است که در حدود چند دهه اخیر مورد توجه جرم‌شناسان و حقوقدانان قرار گرفته است و امروزه شاهد تبلور روزافزون جلوه‌های این تفکر در حقوق کشورهای مختلف از جمله ایران می‌باشیم. لکن در خصوص چگونگی اعمال عدالت ترمیمی و همچنین روش‌های اعمال این نوع تفکر، اختلاف نظر وجود دارد. از جمله این موارد اختلافی، این است که آیا عدالت ترمیمی نقشی در پیشگیری از وقوع جرم دارد یا خیر. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هدف اصلی عدالت ترمیمی پیشگیری از وقوع جرم نمی‌باشد ولی به طور غیرمستقیم نقشی مهم در پیشگیری ثانویه (پیشگیری از تکرار جرم) دارد.

۶۳۱



**واژگان کلیدی:** عدالت ترمیمی، پیشگیری از وقوع جرم، تکرار جرم، عدالت کیفری،

بزهکار

(عدالت ترمیمی) مفهومی که کماکان در کشورمان حتی برای برخی اهل فن حقوق (علمای حقوق) مفهومی گنگ و ناآشنا تلقی می‌شود. بررسی‌های آماری در کشورهایی که پیشگامان استفاده از این تفکر بوده‌اند، نشان می‌دهد که طرفین دخیل در پرونده‌های کیفری (بزه دیده و بزه‌کار و حتی در برخی از جرایم جامعه محلی) پس از اعمال قواعد عدالت ترمیمی، همگی رضایت از رسیدگی داشته‌اند. رضایتی که به جرات می‌توان گفت در زمان حکومت عدالت کیفری برای هر یک از طرفین فوق، بعضاً یا اصلاً وجود نداشته است یا اینکه بسیار کم‌رنگ بوده است. با این وصف باید گفت که هیچگونه شبه‌ای در فایده دار بودن اعمال این تفکر وجود ندارد. ولی به تازگی این پرسش در ذهن علمای حقوق به وجود آمده است که با توجه به گسترش آموزه‌های رشته جامعه‌شناسی جنایی و باطبع مقوله مهم پیشگیری از وقوع جرم، آیا تفکر عدالت ترمیمی تاثیری در پیشگیری از وقوع جرم دارد یا خیر؟ با بیان این مقدمه کوتاه باید گفت که این نوشتار در جهت نیل به پاسخ پرسش فوق‌الذکر برآمده است. بگونه‌ای که پس از بیان ایرادات وارده به سیستم عدالت کیفری کلاسیک، به تعریف و بیان ویژگی‌ها و روش‌های عدالت ترمیمی پرداخته و در قسمت دوم به هدف اصلی تحقیق که همان تاثیر تفکر عدالت ترمیمی در مقوله پیشگیری از وقوع جرم است، می‌پردازد.



### بخش اول: عدالت ترمیمی

#### بند اول: عدالت کیفری و دلایل رویگردانی از آن

قبل از بیان عدالت ترمیمی لازم است که عدالت کیفری که مفهومی در مقابل عدالت ترمیمی است بیان شود. عدالت کیفری سنتی یا عدالت کیفری کلاسیک عبارت است از عدالت سزادهنده که ناظر به جرم، و عدالت بازپرورانه که ناظر به بزه‌کار است. عدالت سزادهنده که ناظر به جرم است و می‌توان از آن به عنوان عدالتی جرم‌مدار یاد کرد، به دنبال احراز مجرمیت بزه‌کار و سزا دهی بر حسب نوع جرم ارتكابی وی است. در عدالت کیفری سرکوبگر فرض بر آن است که عدالت هنگامی تامین می‌شود که بزه‌کار تاوان عمل مجرمانه

خود را با تحمل مجازات بدهد. بنابراین آنچه معیار تعیین مجازات برای بزهکار است، شدت و وخامت جرم ارتكابی است، بدون آنکه به شخصیت بزهکار توجه شود. در عدالت بازپرورانه که ناظر به بزهکار است و به عنوان مدلی دیگر از عدالت کیفری سنتی مطرح می‌شود، شخصیت بزهکار مورد توجه قرار می‌گیرد. آنچه معیار تعیین مجازات بزهکار را مشخص می‌کند، نوع شخصیت بزهکار است. به عبارت دیگر، عدالت بازپرورانه، عدالتی مجرم مدار است. در واقع دو مدل کلاسیک یا سنتی عدالت کیفری هر یک به نوعی در مقام تعدیل عدالت کیفری بر آمده‌اند. همانطور که می‌بینید در این روش‌ها توجهی به بزه‌دیده نمی‌شود. - مدل‌های سزادهنده و بازپرورانه عدالت کیفری، از حدود سه دهه پیش با ایراداتی شامل ایرادات کارکردی، اقتصادی، سیاسی و علمی روبه رو شده‌اند.

۱- از جمله انتقاداتی که به کارایی عدالت کیفری وارد می‌شود، تراکم کار دادگاه‌ها، تورم جمعیت کیفری، نارضایتی عمومی از اطاله دادرسی، عدم رضایت مراجعان از عملکرد دستگاه قضایی و... را می‌توان اشاره کرد.

۲- هم چنین از جمله ایرادات اقتصادی عدالت کیفری کلاسیک می‌توان به اداره زندان‌ها و همچنین پرهزینه بودن خدمات کارشناسی و وکالت و ... اشاره کرد.

۳- از لحاظ سیاسی هم این ایراد به عدالت کیفری کلاسیک وارد است که این حکومت و حاکمیت یک کشور است که می‌تواند با استفاده از قدرت خود به مجازات افراد بزهکار و جرم‌انگاری اعمال دست‌زند و در این موارد جامعه مدنی و مشارکت مردمی نقشی ندارند و به همین جهت این امر می‌تواند به نوعی باعث مستبد شدن حکومت‌ها شود و کما اینکه امروزه پذیرش حاکمیت ملی، نقش جامعه مدنی را در مقام پیشگیری از اشکال مختلف بزهکاری با اهمیت کرده است.

۴- از لحاظ علمی هم یکی از ایراداتی که در این خصوص به عدالت کیفری سنتی وارد می‌شود این است که بزهکار و فرد مجرم را حاصل و نتیجه عملکرد و ساختار و رفتار کارگزاران عدالت کیفری می‌دانند و معتقدند که در عدالت کیفری کلاسیک خود جامعه با



جرم انگاری‌های جدید که بیشتر شامل تنوع و تکثر نحوه زندگی افراد متفاوت زیستن افراد نسبت به یکدیگر و حکومتگران می‌شود، قلمرو مداخله نظام کیفری را توسعه می‌دهد و یا اینکه در خصوص مجازات سالب آزادی یا همان حبس، علاوه بر اینکه آن را از عوامل اصلاح کننده بزهکار نمی‌دانند، آن را زمینه ساز تکرار جرم از طریق فرهنگ پذیری از محیط زندان تلقی می‌کنند. (نجفی ابرندآبادی، همان، صص ۱۶-۱۵)

هم چنین معتقدند که عدالت کیفری حقوق و منافع بزه دیدگان را در فرایند داری به اندازه کافی مورد توجه قرار نمی‌دهد. به عبارت دیگر معتقدند که نظام کیفری اختلالات میان بزه دیدگان و بزهکاران را تصاحب می‌کند و به اشخاص درگیر و به نوعی ذی‌حق و ذی‌سهم در جرم به ویژه بزه دیدگان اعتنایی نمی‌کند و معتقدند که بزه دیده در عدالت کیفری سنتی به بازیگر و یا به تعبیر دیگر به کنشگری فراموش شده و منفعل تبدیل شده است و معتقدند که این بی توجهی نسبت به بزه دیده، باعث ایجاد حس انتقام جویی و خصومت در بزه دیده نسبت به بزهکار در پایان فرایند داری کیفری می‌شود و حتی معتقدند در فرضی هم که حکم به نفع بزه دیده صادر شده باشد، کماکان او خود را متضرر از عملکرد عدالت کیفری احساس می‌کند. به اعتقاد جرم‌شناسان فمینیست این احساس برای زنان بزه دیده شدیدتر است. زیرا نیازها و مصالح بزه دیدگان مونث به ویژه در جرایم خشونت آمیز، ویژگی کاملاً متمایز از نیازهای بزه دیدگان مذکر دارد که عدالت کیفری کلاسیک نمی‌تواند آن‌ها را درک کند. این گونه ایرادات باعث شده است که اعتماد همگانی نسبت به عدالت کیفری کلاسیک کم‌رنگ‌تر شود و این عدم اعتماد به عدم همکاری مردم با عدالت کیفری منجر می‌گردد. با توجه به این ایرادات حقوقدانان و جرم‌شناسان تحت تاثیر دستاوردهای بزه دیده شناسی حمایتی و همچنین فعالیت‌های جنبش‌های طرفدار حقوق زنان بزه دیده، مدل تازه‌ای از عدالت را تحت عنوان عدالت ترمیمی به عنوان جایگزین عدالت کیفری سنتی برگزیده‌اند.

## بند دوم: عدالت ترمیمی و ویژگی‌های آن

در عدالت ترمیمی به جای اینکه بر مجازات و جرم تاکید داشته باشد، با تلفیق بعضی جنبه‌های مدل سزا دهنده و بازپرورانه عدالت کیفری و همچنین لحاظ دادن منافع و حقوق

بزه‌دیدگان و همچنین نیازهای جامعه محلی، مدل یا راه‌سومی را برای عدالت پیشنهاد می‌کند که به عدالت ترمیمی و یا عدالت ترمیم‌بخش و یا احیاگر مشهور است.

عدالت ترمیمی در دو مفهوم قابل بررسی است: ۱- مفهوم مضیق ۲- مفهوم موسع

به طور کلی عدالت ترمیمی در مفهوم اولیه و مضیق آن، در واقع احیا و توسعه حقوق بزه‌دیدگان را در نظام کیفری و در کلیه مراحل رسیدگی مورد توجه قرار می‌دهد. همانطور که می‌بینید در این مفهوم از عدالت ترمیمی فقط به بزه‌دیدنده توجه شده و به بزه‌کار توجهی نشده است. اما طرفداران عدالت ترمیمی برای اینکه بتواند همه جنبه‌های عدالت کیفری کلاسیک را متحول کند و یا جانشین آن شود، به نظریه پردازی جامعی درباره مفهوم ترمیم دست زدند، بدین گونه که علاوه بر توجه به حقوق و منافع بزه‌دیدنده، سرنوشت اجتماعی- خانوادگی بزه‌کار و وضعیت جامعه محلی به عنوان بزه‌دیده ثانویه و حتی مصالح کل جامعه در جرایم شدید نیز، در کلیه مراحل رسیدگی و در هنگام تعیین مجازات مورد توجه قرار گرفت. (نجفی ابرندآبادی، تقریرات درسی جرم‌شناسی، ص ۱۶۸۴-۱۶۸۳) پس با این اوصاف می‌توان عدالت ترمیمی در مفهوم موسع و امروزی را این‌گونه بیان کرد که، جرم را قبل از اینکه نقض مقررات و قانون موجود تلقی کند، آن را لطمه‌ای به اشخاص و روابط بین آن‌ها تعریف می‌کند که آثار نامطلوب و خسارات مادی و معنوی، روانی و عاطفی آن، نه فقط بزه‌دیدنده را بلکه جامعه محلی و حتی خود بزه‌کار و در صورتی که جرم از نوع شدید باشد، کل جامعه را متضرر می‌نماید.

### بند سوم: تعریف عدالت ترمیمی

شاید بتوان در ساده‌ترین تعریف ممکن عدالت ترمیمی را فرآیندی دانست که بوسیله آن، تمام اشخاصی که در حادثه مجرمانه دخیل هستند، گرد هم می‌آیند تا با مشارکت یکدیگر در مورد آثار و نتایج عمل مجرمانه و آینده بزه‌دیدنده و بزه‌کار و جامعه بعد از وقوع جرم، چاره‌اندیشی نمایند. (فروز، ۱۳۸۶، ص ۲۲) با این حال ارائه تعریفی جامع و مانع از عدالت ترمیمی چندان هم ساده نیست. چرا که عدالت ترمیمی دارای ماهیتی سیال و منعطف بوده و



طرح‌ها، برنامه‌ها و اندیشه‌های گوناگونی را شامل می‌شود. شاید به همین دلیل باشد که تعاریف متعدد و مختلفی توسط صاحب‌نظران برای عدالت ترمیمی ارائه گردیده است. نقطه مشترک تمامی این تعاریف توجه و التفات به نقش آفرینی سه عنصر و رکن اساسی مثلث عدالت ترمیمی (بزه دیده، بزه‌کار، جامعه) در مقابله با بزه و اثرات و نتایج آن با تکیه بر نیازها و قابلیت‌های جامعه، بزه دیده و بزه‌کار می‌باشد. (تونی مارشال، ۱۳۸۴، ص ۹۷) تونی مارشال نویسنده و جرم‌شناس انگلیسی عقیده دارد: «عدالت ترمیمی فرایندی است که طی آن همه طرف‌های ذی‌حق و ذینفع در جرم خاصی دور هم جمع می‌شوند تا درباره نحوه برخورد و رفتار با عواقب جرم ارتكابی و استلزامات آن در آینده بصورت جمعی تصمیم بگیرند.» (غلامی، ۱۳۸۵، ص ۹) هم چنین هوارد زهر از دانشمندان و پیشگامان تفکر عدالت ترمیمی در آمریکا معتقد است: «عدالت ترمیمی فرآیندی است برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند، تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیانها و تعهدات جهت بهبود بخشیدن به امور به اندازه‌ای که امکان پذیر است اقدام نمایند.» (غلامی، همان، ص ۹) همچنین تعاریف دیگری از جرم‌شناسان مطرح از جمله جان هلی، کالاوی هودسن، مارک اوم برایت و... ارائه شده است. همه این تعاریف‌ها تقریباً تعریف واحدی را از عدالت ترمیمی می‌نمایند، اما با این تفاوت که عده‌ای از این متخصصان بر فرآیند محوری عدالت ترمیمی (مدل ناب‌خواه) تاکید دارند و گروهی دیگر بر نتیجه عدالت ترمیمی (مدل بیشینه‌خواه) تاکید دارند. گروه فرآیند محور معتقدند آنچه که در عدالت ترمیمی دارا اهمیت است، جریان گفتگو و مذاکره است و نتیجه در مرتبه دوم از اهمیت قرار می‌گیرد. اما گروه دوم که نتیجه محورند معتقدند که روش‌ها و آیین‌های عدالت ترمیمی دارای اهمیت نیستند، بلکه نتیجه عدالت ترمیمی که همان صلح و سازش است دارای اهمیت اساسی می‌باشد. (نجفی ابرندآبادی، همان، ۱۶۹۱)

## بند چهارم: فواید عدالت ترمیمی

۱- عدالت ترمیمی نسبت به عدالت کیفری سنتی دارای نگرشی جامع‌تر است، یعنی به جای اینکه نقض قانون را جرم بدانند، خسارت و صدمه به بزه‌دیده، جامعه محلی و کل اجتماع را جرم تلقی می‌کند.

۲- عدالت ترمیمی افراد بیشتری را درگیر فرایند کیفری می‌نماید و در این درگیر کردن نقش کلیدی را به جای بزه‌کار و دولت، به بزه‌دیده و جامعه محلی می‌دهد.

۳- عدالت ترمیمی موفقیت فرایند قضایی را نه در میزان مجازات صادره در حکم محکومیت، بلکه بر اساس خسارت جبران شده برآورد می‌کند.

۴- در عدالت ترمیمی، جامعه مدنی اعم از سازمان یافته یا خود جوش حضور دارد و در این مورد است که مردم می‌توانند در عدالت کیفری نقش داشته باشند. (نجفی ابرنآبادی، همان، ۱۶۹۲)

## بخش دوم: مهمترین روش‌های عدالت ترمیمی

### بند اول: میانجیگری کیفری

به طور کلی میانجیگری روش یا آیین حل اختلافات است. فرآیندی که طی آن بر ضرورت مذاکره شرکت کنندگان با یکدیگر جهت حصول به یک توافق در خصوص دعوی مطروح تاکید و بر مبنای تصمیم سازی آزادانه و توأم با مشارکت طرفین، نسبت به حل و فصل خصومت اقدام می‌شود. در این تصمیم سازی:

اولاً- میانجی در برنامه میانجیگری هیچ برتری و مزیتی بر سایر شرکت کنندگان در حل و فصل خصومت ندارد

ثانیاً- میانجی نمی‌تواند هیچ تصمیمی را بر دیگران تحمیل کند

ثالثاً- طرفین هرگز به توافق کامل جهت حل و فصل خصومت نخواهند رسید مگر آنکه هر کدام از آنها کاملاً راه حل پیشنهادی را پذیرفته باشد. (غلامی، همان، ص ۱۱۶)

## بند دوم: کنفرانس یا هم‌اندیشی

این روش هم مانند روش میانجی‌گری است. زیرا که همچون روش قبلی در پی آشتی و سازش و رفع کدورت از بزه‌دیده و بزه‌کار یک جرم است اما با این تفاوت که در این روش شرکت‌کنندگان در هم‌اندیشی، علاوه بر طرفین، شامل خانواده‌ها و نزدیکان ایشان و نمایندگان جامعه محلی می‌شود. یعنی بر خلاف روش میانجی‌گری که فرآیندی سه‌گانه است، این روش فرآیندی چهارگانه است. (نجفی ابرندآبادی، تقریرات درسی جرم‌شناسی، ص ۱۶۹۹)

## بند سوم: هیئت‌های بزه‌دیده-بزه‌کار

در این روش هیئتی متشکل از بزه‌دیدگان و بزه‌کارانی که هیچگونه ارتباط مستقیمی با هم ندارند و تنها ارتباط آن‌ها در یک نوع جرم خاص است (یعنی به طور غیر مستقیم هریک مرتکب یا متضرر یک جرم خاص هستند)، که در اینجا گروهی به عنوان مرتکبین آن جرم خاص و گروهی دیگر به عنوان قربانیان آن جرم خاص هستند. در این نوع روش هر دو طرف غالباً در مورد آن جرم خاص و آثار و پیامدهای آن به بحث و گفتگو می‌پردازند. (نجفی ابرندآبادی، همان، ۱۷۰۲)

## بخش سوم: تاثیر عدالت ترمیمی در پیشگیری از وقوع جرم:

در مورد اینکه آیا عدالت ترمیمی می‌تواند در پیشگیری از جرم نقش داشته باشد یا به عبارت دیگر آیا از جمله مصادیق اهداف عدالت ترمیمی، پیشگیری از وقوع جرم هم می‌باشد، باید گفت که پیشگیری از جرم یکی از حوزه‌هایی است که عدالت ترمیمی با پرسش‌های بسیار مهمی در رابطه با آن روبه‌رو است. از جمله این که عدالت ترمیمی چه ابزارهایی را برای کاهش نرخ جرم در اختیار دارد و یا اصولاً برنامه‌های عدالت ترمیمی می‌تواند از رشد نرخ بزهکاری پیشگیری کند یا خیر؟ پاسخ‌هایی که نظریه پردازان عدالت ترمیمی به این پرسش‌ها داده‌اند در دو رویکرد کلی جای می‌گیرد:





## بند اول: رویکرد غیر مستقیم به پیشگیری از جرم

پیروان این رویکرد معتقدند اساساً عدالت ترمیمی به منظور کاهش نرخ جرم برنامه ریزی نشده است. از جمله معتقدین به این رویکرد هوارد زهر آمریکایی می‌باشد. به گفته هوارد زهر: «... برنامه عدالت ترمیمی اغلب به عنوان روش هایی جهت کاهش نرخ تکرار جرم مورد ارزیابی قرار گرفته اند و در واقع دلایل خوبی برای اعتقاد به این امر وجود دارد که چنین برنامه هایی نرخ تکرار جرم را کاهش خواهند داد. به علاوه تا آن جا که تحقیقات نشان می دهند به خصوص در مورد کودکان بسیار تشویق کننده هستند. با این وجود کاهش نرخ تکرار جرم دلیل اجرای برنامه های عدالت ترمیمی نیست. تکرار جرم کمتر، یکی از نتایج جانبی برنامه های عدالت ترمیمی است و عدالت ترمیمی از آن جهت اجرا می شود که نیازهای بزه دیدگان باید مورد توجه قرار گیرد. بزهکاران باید تشویق شوند که مسئولیت پذیر باشند و آسانی که از ارتکاب جرم متضرر و متأثر شده اند باید در فرآیند رسیدگی به آنان مشارکت یابند. جدا از آن که بزهکاران دستگیر شده و نرخ بزهکاری آنان کاهش یابد یا نه» (هوارد زهر، ۱۳۸۸، ص )

## بند دوم: رویکرد مستقیم به پیشگیری از جرم

پیروان این رویکرد معتقدند پیشگیری از جرم باید به طور مستقیم موضوع برنامه های عدالت ترمیمی باشد. جان بریث ویت از جمله افرادی است که به این نگرش تمایل دارد. وی که نظریه «شرمساری بازگرداننده» را در عدالت ترمیمی مطرح کرده، معتقد است برنامه های عدالت ترمیمی باید به طور مستقیم بر مسئله پیشگیری از جرم متمرکز باشند و از این طریق محدودیت های دیگر روش های پیشگیری از جرم را برطرف سازند. (جان بریث ویت، ۱۳۸۳، ص ۲۸۷)

## بند سوم: جلوه‌های عدالت ترمیمی در پیشگیری از جرم

به نظر می‌رسد بیشترین تاثیر عدالت ترمیمی در پیشگیری از وقوع جرم، پیشگیری از تکرار جرم (پیشگیری ثانویه) می‌باشد. که چگونگی این پیشگیری از تکرار جرم را باید در اهداف عدالت ترمیمی جست. از جمله مهمترین اهداف عدالت ترمیمی که می‌تواند از پیشگیری از تکرار جرم موثر باشد عبارتند از:



۱- پیشگیری از قربانی شدن مجدد بزه‌دیده

۲- رفع تنش بین بزه‌دیده و بزه‌کار

۳- تقویت حس مسئولیت‌پذیری بزه‌کار

۴- بازاجتماعی نمودن و جامعه‌پذیری دوباره بزه‌کار

۵- تحدید توسل به ضمانت اجراهای کیفری

### الف) پیشگیری از قربانی شدن مجدد بزه‌دیده

در طی برنامه‌های عدالت ترمیمی طرفین به یک جو اعتماد و اطمینان و تفاهم نزدیک می‌شوند و بزه‌کار از نزدیک با واقعیت بزه و آثار آن آشنا شده و نتایج عملکرد غیر صحیح خود را می‌پذیرند. بنابراین بیم و ترس از بزه‌دیدگی مجدد از ناحیه بزه‌کار یا اطرافیان وی منتفی می‌گردد. این امر عملکرد مثبتی است که فرآیند کیفر دهی بزه‌کار هیچگاه آن هدف را دنبال نکرده و آن را تامین نمی‌کند و بعد از مجازات بزه‌کار، همواره بزه‌دیده در وحشت تلافی و انتقام بزه‌کار یا وابستگان وی به سر خواهد برد. (عباسی، ۱۳۸۲، ص ۹۵) ولی همانطور که گفته شد در عدالت ترمیمی، طرفین به تفاهم رسیده و از اینکه بزه دیده مجدداً مورد بزه‌دیدگی قرار بگیرد پیشگیری می‌شود.

### ب) رفع تنش بین بزه‌دیده و بزه‌کار

عدالت کیفری کلاسیک هرچند که به گمان خود عدالت را اجرا می‌کند، ولی در واقع برخی مسائل را مبهم می‌گذارد. از جمله این موارد این است که آیا بعد از اینکه فرد بزه‌کار مجازات می‌شود، شخص بزه‌دیده این مجازات را کافی و عادلانه می‌داند و یا حتی هنگامیکه فرد از مجازات معاف می‌شود، آیا این عمل باعث نمی‌شود که بزه‌دیده حقوق خود را به گونه‌ای پایمال شده فرض کند و آیا بزه‌دیده این عمل را یک نوع بی توجهی به خودش نمی‌پندارد. (عباسی، همان، ص ۹۶-۹۵) این گونه موارد ممکن است این نتیجه را به دنبال داشته باشد که شخص بزه دیده خود راساً اقدام به اعمال مجازات کند و به عبارتی دیگر



در صدد انتقام برآید. اما طی عدالت ترمیمی، مناسبات و روابط انسانی از هم گسیخته، ترمیم می‌شود و آن رابطه به نوعی اصلاح می‌شود. پس این مورد که شخص مجدداً در پی انتقام برآید در عدالت ترمیمی وجود ندارد و در واقع طی فرآیندهای عدالت ترمیمی از اجرای دادگستری خصوصی پیشگیری می‌شود.

### ج) تقویت حس مسئولیت‌پذیری بزهکار

در طی فرآیندهای عدالت ترمیمی این امکان فراهم می‌شود که در خلال گفتگوهای رو در رو و صحبت‌ها و اظهارات بزه‌دیده و بیان احساسات و رنج‌ها و آثار واقعی بزه بر زندگی خود و خانواده‌اش، بزهکار از آثار واقعی عمل خویش مطلع می‌شود و وجدان انسانی وی بیدار می‌گردد و با قبول بزه و آثار و مسئولیت‌های آن، به یک احساس همدردی و یکدلی با بزه‌دیده بر می‌آید که این مورد می‌تواند از هرگونه اقدام مجرمانه شخص بزهکار در موارد مشابه پیشگیری کند (عباسی، همان، ص ۹۷) و به عبارت دیگر از تکرار جرم جلوگیری می‌نماید.

### د) بازاجتماعی نمودن و جامعه‌پذیری دوباره بزهکار

از جمله معایب اساسی عدالت کیفری کلاسیک این است که بزهکار پس از اینکه مجرم شناخته می‌شود، انگ مجرمانه خورده و با برچسب خوری، به دلیل آثار و کارکرد روانی برچسب زنی، پس از ورود به جامعه طرد می‌شود و به حاشیه جامعه رانده می‌شود و به دلیل اینکه فرد، بزهکار بودن خود را قبول می‌کند و آن را از ویژگی‌های خود را تصور می‌کند، به نقش آفرینی خود به عنوان یک مجرم ادامه می‌دهد. بر همین اساس شکاف و تعارض ایجاد شده بین بزهکار و جامعه علاوه بر اینکه ترمیم نمی‌شود، بلکه عمیق‌تر و وسیع‌تر می‌گردد. اما در فرایندهای عدالت ترمیمی بزهکار از همان ابتدا از پیامدهای منفی برچسب خوری مصون مانده و طی یک فرآیند شرمساری بازاجتماعی‌کننده و طی یک فرایند احترام‌آمیز، وی را به زندگی عادی و روزمره برمی‌گرداند و از تکرار جرم شخص بزهکار پیشگیری می‌کند.



## ز) تحدید توسل به ضمانت اجراهای کیفری

اعمال مجازات در بیشتر موارد از توان و قابلیت و امکانات بزهکار برای جبران خطاهایش می‌کاهد و تنها در موارد محدودی، افراد از اعمال کیفری منتفع می‌شوند. ولی در اغلب موارد، بزهکاران علاوه بر اینکه با تحمیل کیفر اصلاح نمی‌شوند بلکه جری‌تر، گستاخ‌تر، با تجربه‌تر و ماهرتر می‌گردند و احتمالاً در آینده جرم را با مهارت و تجربه بیشتری تکرار می‌کنند. (عباسی، همان، ص ۱۰۰) اما عدالت ترمیمی به عنوان یکی از شیوه‌های قضازدایی و کیفرزدایی، بزهکار را از تحمل کیفری بی‌ثمر و افراطی و دچار شدن به معایب آن نجات می‌دهد و به نوعی با جلوگیری از اعمال کیفرهای بی‌فایده از تکرار جرم پیشگیری می‌کند.

### نتیجه‌گیری

واقعیت این است که بزهکاری نتیجه کنش‌ها و واکنش‌های عوامل و زمینه‌های گوناگون است و تنها یک عامل، علت اصلی وقوع جرم نیست. بنابراین نباید انتظار داشت که با یک یا چند ابزاری که عدالت ترمیمی در دست دارد بتوان علل بزهکاری را از بین برد. البته نظریه عدالت ترمیمی نیز ادعا نمی‌کند که به طور کلی مسئله جرم را در جامعه حل کرده، از وقوع احتمالی آن در آینده به طور قطع جلوگیری می‌کند؛ اما برنامه‌های عدالت ترمیمی در عمل نشان داده که با توسل به راه‌کارهایی، تا حدودی از احتمال بزهکاری مجدد (تکرار جرم) کاسته است، که در مباحث آتی به این راه‌کارها اشاره می‌شود. پس همانطور که می‌توان نتیجه گرفت عدالت ترمیمی می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرم، بویژه پیشگیری از وقوع تکرار جرم جلوگیری کند، ولی این مورد را نمی‌توان هدف اصلی عدالت ترمیمی دانست، چرا که فلسفه پیدایش عدالت ترمیمی حمایت از حقوق بزه‌دیده و جامعه محلی و حتی بزهکار (البته در مفهوم موسع آن) است. اما اینکه عدالت ترمیمی چگونه می‌تواند از وقوع جرم پیشگیری کند باید گفت با توجه به روش‌های عدالت ترمیمی و اهداف این نوع عدالت، بیشتر بر پیشگیری از وقوع تکرار جرم می‌تواند تاثیرگذار باشد. اما در برخی از روش‌های عدالت ترمیمی مانند روش کنفرانس یا هم‌اندیشی که علاوه بر طرفین، خانواده آنها هم حضور دارند، پیشگیری از جرم در



واقع در همان مفهوم اصلی پیشگیری، یعنی پیشگیری از وقوع جرم اولیه می‌باشد. چرا که در این روش اعضای خانواده می‌توانند با عبرت آموزی و همچنین فهم و درک نتایج حاصله از جرم، از ارتکاب آن بپرهینند. (مانند کمپ‌های ترک اعتیاد که بیشتر افراد معتاد و یا افرادی که اعتیاد را ترک کرده‌اند در جلساتی از تجربیات تلخ دوره اعتیاد خود سخن می‌گویند و افراد عادی هم با شرکت در این جلسات و پندآموزی از تجربیات این گونه افراد می‌توانند به نحوی از اعتیاد خود پیشگیری نمایند.)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ

### الف) کتب

- ۱- زهر، هوارد (۱۳۸۸)، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، چ ۲، تهران: انتشارات مجد.
- ۲- عباسی، مصطفی (۱۳۸۲)، افق‌های نوین عدالت ترمیمی میانجی‌گری کیفری، چ ۱، تهران: انتشارات دانشور.
- ۳- غلامی، حسین (۱۳۸۵)، عدالت ترمیمی، چ ۱، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- فروزش، روح ... (۱۳۸۶)، جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران، چ ۱، تهران: نشر خرسندی.
- ۵- مارشال، تونی (۱۳۸۴)، عدالت ترمیمی، ترجمه امیر سماواتی پیروز، چ ۱، تهران: انتشارات خلیلیان.

### ب) مقالات

- ۱- بریث ویت، جان (۱۳۸۳)، پیوند دادن پیشگیری از جرم به عدالت ترمیمی، ترجمه علی شریف‌زاده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹ و ۴۸.
- ۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲)، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹.

### ج) تقریرات

- ۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات کلاسی درس جرم‌شناسی، بکوشش شهرام ابراهیمی

